

## سرزمین

شاید با شنیدن کلمه‌ی **سرزمین** اولین چیزی که به ذهن خطور کند کشور باشد، اما در اینجا سرزمین به معنای کشور نیست. سرزمین اصطلاحی است که زنان کشاورز مهاجر برای زمین‌های کشاورزی استفاده می‌کنند.

تقریباً نیمی از زنان مهاجر افغان که ساکن شهرهای اطراف تهران‌اند، به دلیل نداشتن مدرک شناسایی معتبر، سواد و مهارت لازم برای انجام سایر کارها به کار کشاورزی روی می‌آورند. محدوده‌ی سنی آنها بین ۱۸ تا ۶۰ سال است و گاهی به ۷۰ هم می‌رسد. ناگفته نماند که دختران و پسران زیر ۱۸ سال به همراه خانواده‌های خود هم به کار کشاورزی مشغول می‌شوند. حال اگر این دختر بچه یا پسر بچه جثه‌ی بزرگی داشته باشد و هم چون بزرگسالان کار کند، مانند دیگر کارگران دستمزد می‌گیرد و در غیر این صورت صاحب‌کار دستمزد کمتری را برای او در نظر می‌گیرد.

اوج کار کشاورزی و میوه‌چینی از باغ‌ها ۶ ماه اول سال است. ۶ ماه دوم سال کشت و برداشت محصول به اندازه‌ای نیست که از کارگران عادی استفاده شود، در این ماه‌ها سرکارگران به همراه بستگان و آشنایان خود سر زمین‌ها مشغول به کار می‌شوند. زنان کارگر دیگر که ۶ ماه دوم سال کار کشاورزی ندارند، به کارهایی مانند بستن پیچ کولر (در کارخانه)، حاشیه‌دوزی شال و روسری، پاک کردن نخود و لوبیا و نظافت منزل مشغول می‌شوند.

### پیدا کردن کارگران

یکی از زنان کارگر کشاورزی که از دیگران سرشناس‌تر است و صاحب‌کاران بیشتری را می‌شناسد عنوان **سرکارگر** می‌گیرد. سرکارگر وظیفه دارد برای زمین کشاورزی یا باغ میوه‌ی یکی از صاحب‌کاران نیروی کار پیدا کند. گاهی این خود سرکارگر است که تشخیص می‌دهد برای چند هکتار زمین چه تعداد کارگر لازم است و گاهی خود کارفرما تعداد کارگران را تعیین می‌کند. کارفرما دستمزد کارگران را به سرکارگر پرداخت می‌کند و در نتیجه کارگران با خود کارفرما برای دریافت دستمزدشان مواجه نمی‌شوند.

سرکارگر زمانی را برای میوه چیدن یا کاشتن محصولات کشاورزی و برداشت‌شان پیدا می‌کند و مردانی را برای آبیاری و سم‌پاشی و باربری؛ دستمزد مردان نسبت به زنان کارگر بیش‌تر است. در ازای فراهم کردن کارگران، سرکارگر از صاحب‌کار پول چای می‌گیرد؛ نرخ پول چای در سال ۱۴۰۰ در حدود ۲۰ هزار تومان است.

کارگری که به تازگی به سرکارگری رسیده است، همچنان احساس تعلق خاطری به کارگران دارد و خود را منفک از آنها نمی‌داند. به این خاطر تلاش می‌کند که دستمزد کارگران را به موقع از صاحب‌کار دریافت کرده و به کارگران برساند. و طبق رسوم کار در زمین‌های کشاورزی از صاحب‌کار می‌خواهد که پس از پایان روز کاری مقداری محصول به کارگران بدهد. اما به مرور زمان سرکارگر به دلیل ارتباطش با صاحب‌کار و وعده و وعیدهای او، متوجه جایگاه متفاوت خود با کارگران دیگر می‌شود. رفته رفته او برخورد دیگری را با کارگران در پیش می‌گیرد، بر شدت کار کارگران می‌افزاید و اضافه‌کاری‌های یک یا دو ساعته کارگران را حساب نمی‌کند. همه‌ی این‌ها به این خاطر است که صاحب‌کار دستمزد خود او را به موقع پرداخت کند و بتواند مقداری محصول با خودش ببرد.

روزهای آخر کار، سرکارگر و صاحب‌کار، کارگران را بیشتر از ساعت کاری که باید کار کنند، سر زمین نگه می‌دارند تا به جای اینکه تعداد روزهای کار افزایش پیدا کند و صاحب‌کار مجبور شود دستمزد کامل یک روز را بدهد، تنها حقوق چند ساعت اضافه‌کاری را به کارگران پرداخت کند؛ که البته آن چند ساعت اضافه‌کاری هم معلوم نیست چطور محاسبه می‌شود.

## شرایط کار

ساعت کار در زمین‌های کشاورزی چندان روال مشخصی ندارد. بعضی از صاحب‌کاران از ساعت ۷ صبح تا ۵ ساعت بعد از ظهر از کارگران کار می‌کشند و بعضی دیگر از ساعت ۵ صبح تا ساعت ۲ یا ۳ بعد از ظهر. در حالت اول صاحب‌کار طبق عرف موجود برای کارگران دو وعده‌ی صبحانه و نهار را تهیه می‌کند و در حالت دوم تنها وعده‌ی صبحانه را.

وعده‌ی صبحانه ۱۵ دقیقه یا ۳۰ دقیقه زمان می‌گیرد. معمولاً این وعده شامل نان بربری، چای و پنیر است. ممکن است گاهی صاحب‌کار با این بهانه که فراموش کرده است برای صبحانه مواد غذایی‌ای را تهیه کند از آن سر باز زند. در این موقع کارگرانی که با شکم گرسنه سر زمین رفته‌اند و برای شروع روزکاری نیاز به انرژی دارند در مقابل او می‌ایستند و صاحب‌کار را مجبور به تهیه‌ی آن می‌کنند. برای وعده‌ی نهار گاهی از بیرون غذایی سفارش داده می‌شود که معمولاً کباب کوبیده‌ای بی کیفیت است، گاهی در همان محل برای کارگران غذا می‌پزند که اغلب غذاهایی مانند ماکارونی و آبگوشت است. در مواردی هم صاحب‌کار پولی را برای وعده‌ی نهار از ۷ هزار تومان تا ۱۵ هزار تومان به کارگران می‌دهد.

در سال ۱۳۹۹، دستمزد زنان کارگران به ازای یک روز کار ۷۰ هزار تومان بود و در سال ۱۴۰۰ به ۱۲۰ هزار تومان رسید.

اکثر زمین‌های کشاورزی دور از محل زندگی کارگران است و به همین جهت صاحب‌کار برای کارگران سرویسی جهت رفت و آمد تهیه می‌کند. سرویس رفت و آمد برخی مواقع آژانسی است که از طرف صاحب‌کار گرفته می‌شود و در مواقعی دیگر راننده‌ی نیشانی که در زمین کشاورزی با او همکاری می‌کند، کارگران را با نیشان خود به محل کار می‌برد و برمی‌گرداند. وقتی که تعداد کارگران زیاد نباشد رفت و آمد بی‌دردسر خواهد بود اما اگر تعداد کارگران زیاد باشد، به دلیل ازدحام جمعیت در پشت نیشان، این خطر وجود داشته است که به کارگران در طول مسیر آسیبی وارد شود.

در اکثر موارد یا بهتر است بگوییم در همه‌ی موارد زنان کارگر مجبوراند که دسته‌جمعی به سرویس بهداشتی بروند؛ سرویس بهداشتی‌های کثیفی که اغلب در ندارند و یک پتو یا پرده در آن حکم در را دارد. از آنجایی که محیط کار آن‌ها به قول خودشان در بیابان است و محل گذر کسی نیست، امنیت کمی دارد. همیشه این امکان وجود دارد که از سوی صاحب‌کار یا رانندگان یا بقیه‌ی مردان کارگر که خودشان نیز مهاجر هستند، آزار ببینند. در آن محیط‌های سوت و کور پیشنهادهای جنسی دادن و دست‌درازی کردن اتفاقات رایجی است که زنان را تهدید می‌کند. زنان نیز به دلیل ترس از قرارگیری در محیط دورافتاده، ترس از دست دادن کار و همین‌طور مهاجر بودن خود و عدم وجود پشتیبانی‌های قانونی از آن‌ها، اغلب این امکان را ندارند که واکنشی به آزارها نشان دهند. حرکت دسته‌جمعی راه ابداعی این زنان برای کم‌تر در معرض آزار قرار گرفتن است.

هر کارگر برای کندن علف‌های هرز باید دستکش و یک تیشه داشته باشد. صاحب‌کار تنها ۳ یا ۴ عدد تیشه در اختیار کارگران می‌گذارد و دستکشی هم برای کارگران تهیه نمی‌کند. اغلب کارگران باید خودشان تیشه تهیه کنند چون در غیر این صورت نمی‌توانند بر روی زمین کار کنند.

چهارپایه یا نردبان از لوازم ضروری برای میوه‌چینی در باغ‌ها است. اما باغ‌دار این لوازم را برای زنان کارگر تهیه نمی‌کند و به درخواست تهیه‌ی آن‌ها از سوی کارگران با تمسخر جواب منفی می‌دهد. در این شرایط، خطر افتادن کارگران از درخت‌ها زیاد است و پیش آمده است که کارگری به علت افتادن از درخت و خون‌ریزی شدید جان خود را از دست دهد. وقتی که چنین حوادثی در محیط کار اتفاق می‌افتد، در وضعیت موجودی که در آن قانون به درستی برای مهاجران اجرا نمی‌شود، صاحب‌کار از ناآگاهی کارگران استفاده می‌کند و آن‌ها را مجاب می‌کند که به دلیل مهاجر بودن‌شان در صورت باخبر کردن نیروی انتظامی

این خود کارگران‌اند که ضرر می‌کنند، نه او. به همین خاطر، در صورت وقوع این حوادث، کمتر از سوی کارگران پیگیری انجام می‌شود و پنهان می‌مانند.

### جمع‌بندی

زنان کارگر افغانستانی که بر روی زمین‌های کشاورزی کار می‌کنند، در محله‌های کوچکی نزدیک به هم در اطراف تهران زندگی می‌کنند و هر کدام از این محله‌ها سرکارگران خود را دارند. نیاز به کار و محدودیت در کارهای موجود برای این زنان اغلب به رقابت و اختلاف میان کارگران محله‌های مختلف بر سر تصاحب کار بر روی زمین می‌شود. صاحب‌کاران از این وضعیت بیشترین استفاده را می‌کنند و با دامن زدن به این رقابت‌ها از طریق تعریف و تمجید از نوع کار کارگران محله‌ای دیگر، به تفرقه‌افکنی میان کارگران می‌پردازند و بر شدت کار کارگران می‌افزایند. نبود حمایت‌های قانونی که در واقعیت اجرا شود و عدم اطلاع مهاجران از قوانین واقعاً موجود، غیرقانونی بودن اقامت برخی از زنان مهاجر و تجربه‌ی برخورد تبعیض‌آمیز نیروهای انتظامی با مهاجران، همگی از جمله عواملی‌اند که به عدم اتحاد کارگران برای مقابله با شرایط کار تحمیل‌شده از سوی صاحب‌کاران منجر خواهد شد.

این زنان که برای فرار از جنگ و کشتار از سرزمین خود کوچ کردند، نصیبی جز بیگاری در سرزمین کشاورزی نداشتند. اختلافاتی که نظام سرمایه‌داری بر پایه‌ی ملیت و قومیت به کارگران تحمیل می‌کند و رقابت ایجاد شده میان کارگران باعث می‌شود بخش‌هایی از کارگران، به خصوص مهاجران تحت شدیدترین نوع استثمار قرار گیرند. بنابراین تنها با همبستگی و اتکا به سرنوشت مشترک بخش‌های مختلف کارگران می‌توان چنین وضعیتی را تغییر داد.